

## سخن سردبیر

دانش پزشکی که قدمت آن به طول عمر بشر است، به سبب موضوعیتش که حفظ سلامت جسم و جان انسان‌هاست، در میان علوم دیگر از جایگاه شامخی برخوردار است؛ اگرچه تمامی ملل در پیدایش، رشد و شکوفایی این دانش ارزشمند سهمی به‌سزا داشته‌اند، ولی بی‌شک سهم دانشمندان ایرانی بخصوص در دوران تمدن اسلامی بسیار عظیم و چشمگیر بوده است.

حکمای پیشین و دانشمندان ایرانی قبل از ورود به حوزه پزشکی، با الهامات برگرفته از دین و فرهنگ به فراگیری علوم همچون فقه، منطق، اخلاق، حکمت، نجوم، ریاضیات، طبیعیات، فراست و دیگر علوم پرداخته، سپس پای در عرصه درمان و طبابت گذاردند؛ از این‌رو برخوردار از نگرشی ژرف، جامع، عالمانه و توام با نوآوری‌های عظیمی بودند که دانش پزشکی امروز به منظور اهداف انسان‌گرایانه خود عمیقاً بدان محتاج است.

مکتب پزشکی اسلام و ایران اعم از طب باستانی، طب اوستایی، طب جندی شاپوری، طب رازوی، طب سینوی و... آن‌گونه که درخور و شایسته این تمدن عمیق و ریشه‌دار و باسابقه دینی و فرهنگی درخشان باشد تا به‌حال مورد بررسی و تحقیق جدی و منصفانه بخصوص در سطوح عالی علمی قرار نگرفته است. شادروان دکتر سید جلال کاشانی (در: ۱۳۷۷ش.) از پیشروان و مدافعان احیای طب اصیل و قدیم ایرانی - اسلامی است که هم در طب نوین و علم شیمی و هم در طب سنتی ایران به دانش‌اندوزی و علم‌اندوزی و کسب تجربه عملی پرداخته و در حوزه تاریخ پزشکی نیز مطالعات وسیعی داشته و آثار بسیار ارزشمندی همچون «مقایسه طب قدیم ایران با پزشکی نوین»، «ابن سینا امیر پزشکان جهان»، «دارو

مسأله پزشکی قرن»، «طب جاودان»، «نهضت پزشکی یا لزوم تجدید نظر در اصول و مبانی طب امروز» و... تألیف نموده است. وی با مقایسه‌ی دو مکتب طبیبی قدیم و جدید اعتقاد دارد:

«این مکتب دارای شگفتی‌ها و شگرفی‌هایی است که به‌طور قطع و یقین قادر است بسیاری از خطاهای پزشکی معاصر را رفع کند و خطرات ناشی از درمان‌های کنونی را از میان بردارد و برای نامدار کردن فرهنگ عظیم اسلامی ایران صادق باشد»<sup>۱</sup>.

وی همچنین درباره توانمندی مکتب پزشکی ایرانی - اسلامی چنین آورده است: «این ذره بی‌مقدار مدت ۵۰ سال است مستمراً و بدون وقفه مشغول مطالعه و تحقیق در طب اسلامی که مظهر کامل المعیار آن کتاب قانون ابن سینا است بوده و در عین حال، در جریان تازه‌ترین اطلاعات و اکتشافات پزشکی دنیای متمدن جدید نیز بوده‌ام. از ۳۵ سال پیش در اثر همین بررسی‌های دقیق که در عقاید شیخ رئیس ابوعلی سینا صورت گرفت به پاره‌ای از اشتباهات و خطاهای ریشه‌دار در طب کنونی جهان پی برده و طی مقالات و سخنرانی‌ها و مؤلفات خود ثابت کرده‌ام که امروزه زیان بسیاری از درمان‌ها بیش از نفع آن‌ها است و...»<sup>۲</sup>

یکی از پیامدهای زیان‌بخش پیشرفت‌های علمی در غرب در حدود دو قرن اخیر که گریبانگر برخی روشنفکران و فرهیختگان ایران و جهان اسلام نیز شد، کوچک‌شماری میراث پزشکی کهن و بی‌اعتنایی به آن بود. طب ایران در برابر نفوذ طب غربی، مظلومانه در انزوا فرو رفت و مراکز آموزشی و مؤسسات علمی آن را ترک گفتند؛ اما ژرفا و غنای میراث علمی ما ایرانیان به حدی است که اگر

۱. ر ک: «دکتر سیدجلال مصطفوی کاشانی، تنظیم و گردآوری: دکتر آزاده محبی و دکتر محسن ناصری، ج ۱، تهران، نشر شهر، ۱۳۸۶، مقدمه.

۲. همان، ص ۲۴.

محقق و دانشمندی شجاعانه و جستجوگرایانه وارد این عرصه شود، بی‌شک گوهرهای گرانبهایی می‌یابد که می‌تواند به کمک آن در خدمت دانش پزشکی روز باشد و بعضاً به اصلاح و بازنگری در آن نیز بپردازد و حرکت آن را با حرکت عظیم و ناشناخته طب ایرانی و اسلامی همسو گرداند.

جرج سارتن، استاد تاریخ دانشگاه هاروارد (۱۹۵۷-۱۸۸۴م.) که به عقیده همه دانشمندان جهان، یکی از برجسته‌ترین مورخان علوم است، در کتاب «سرگذشت علم» می‌نویسد: «تاریخ علوم از حیث زمان، ارزش بسیار دارد؛ بخصوص اگر بوسیله کسی نوشته شود که هم با جنبه‌های علمی جدید و هم با اصول علمی قدیم آشنایی کامل داشته باشد. توالی کشفیات سابق همان توالی را به عالم محقق و متتبع تلقین می‌کند و وی را به کشف‌های جدید نائل می‌سازد. می‌توان روش‌های قدیمی و متروک را با زبردستی تغییر داد و از آنها نتایج عملی گرفت. این مطلب اگر خوب فهمیده شود، تاریخ علوم به یک روش تحقیق تبدیل می‌شود.»

ایرانیان پس از پذیرش دین مبین اسلام و تأثیر از تعالیم ارزشمند آن در حوزه دانش‌اندوزی توانستند پیشینه علمی خود را نضج و توسعه بدهند؛ از این رو از همان ابتدا شاهد شکوفایی پزشکی ایرانیان بخصوص در سرزمین اسلام بودیم. اوج این شکوفایی از اواخر قرن دوم تا اواسط قرن هفتم هجری بوده است. درخشش عملکرد و موفقیت دانشمندان ایران و اسلام در حوزه علوم بخصوص دانش پزشکی در دوران طلایی همچنان بر تارک تاریخ می‌درخشد و این نبود مگر به سبب ظهور نوابغ فرزانه‌ای که با الهام از کلام وحی و آموزه‌های دین مبین اسلام به رشد خود و ملل دیگر پرداختند. نوابغی همچون طبری، رازی، ابن سینا، اهوازی، جرجانی و... در این دوران تجلی یافتند. طبابت ایشان به لحاظ آمیختگی و امتزاجی که با حکمت و ارزش‌های اخلاقی و اسلامی یافت، از جایگاهی فراتر از شأن و

مقام حرفه پزشکی برخوردار شد. دانش پزشکی ایشان و دیگر دانشمندان مسلمان به چنان پیشرفت سریعی نائل آمد که جهانیان از این همه رشد و درخشش در تمدن اسلامی به تحیر افتادند.

جای بسی تأسف است که برخی حوادث تاریخی و عملکرد حکام نالایق و ستمگر موجب گردید تا آنچه را که از پیشرفت‌ها، نوآوری‌ها و غنای دانش پزشکی شاهد بودیم در سده‌های بعدی، آن‌گونه نباشد، اما علی‌رغم همه این ناخوشایندی‌ها، شاهد ظهور شخصیت‌های بزرگی در ایران و جهان اسلام هستیم که تاریخ بشریت به آنها افتخار می‌کند؛ به طوری که حتی بسیاری از کشورها در تلاشند که نام آنها را به خود نسبت دهند. این دانشمندان گنجینه عظیمی از فلسفه پزشکی، طب بالینی و تجربی، داروشناسی، روان‌درمانی و علوم وابسته دیگر را برای نسل‌های پس از خود برجای گذاردند و چه بسیار بهره‌گیری‌ها که ملل دیگر از جمله دنیای غرب توانستند از آنها بی‌منت بهره ببرند. حال که طب سنتی ایران سابقه‌ای دیرینه دارد، لزوم آشنایی با این اقیانوس بیکران برعهده ماست، تا علاوه بر حفظ و شناخت دستاوردهای آن در مسیر تاریخ پزشکی، موجب انتقال این میراث عظیم به نسل‌های پس از خود که وارثان بعدی این مرز و بوم و داشته‌های آن هستند، باشیم. بمانه و کرمه.

سردبیر